

سخنان رفیق علی خاوری - به مناسبت شصتمین سالگرد

بنیانگذاری حزب توده ایران در صفحات ۵ و ۷

«مردم نومید از اصلاح طلبان و منجز از جناح ذوب در ولایت به سوی دوران پس از اصلاحات عمیق مانده در حرکتند...»

برگزاری جشن با شکوه شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در آلمان در صفحه ۴

هفته گذشته برغم کارشکنی های گسترده در برگزاری روز دانشجو، در روز سه شنبه ۲۰ آذر، مراسمی در دانشگاه صنعتی امیرکبیر با حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران برگزار شد. چنین مراسمی در دیگر دانشگاه های کشور با فواصل زمانی مختلف برگزار گردید. تجمع دانشگاه تهران، که با نام اهورایان دربند برگزار گردید، علاوه بر حضور گسترده

ادامه در صفحه ۲

زنده باد «اتحاد، مبارزه»



شماره ۶۲۴، دوره هشتم
سال هجدهم، ۲۷ آذر ماه ۱۳۸۰

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران با شرکت اعضای کمیته مرکزی برگزار شد. پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن استماع نظرات هیئت سیاسی درباره اوضاع حساس جهان و کشور، سیاست حزب در عرصه های مختلف را تنظیم و تدقیق کرد. کمیته مرکزی قرار انتشار سند سیاسی پلنوم درباره اوضاع کشور و جهان را صادر کرد. پلنوم با توجه به گذشت چهار سال از برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران، تصمیم آغاز کار برای تدارک پنجمین کنگره حزب توده ایران را تصویب کرد. بر همین اساس، کمیسیون اسناد و تدارک کنگره از میان اعضای کمیته مرکزی و کادرهای حزب انتخاب شدند و قرار شد تا کمیسیون اسناد در اسرع وقت طرح برنامه جدید حزب و همچنین نظرات خود درباره اساسنامه را در اختیار واحدهای حزبی قرار دهد تا بتوان بر اساس نظر خواهی از رفقای حزبی اسناد نهایی برای ارائه به کنگره را تهیه کرد.

پلنوم کمیته مرکزی، با بررسی فعالیت های انجام گرفته در کشورهای مختلف، در بزرگداشت جشن های شصتمین سالگرد حزب، از تلاش خستگی ناپذیر همه رفقای حزبی که با برگزاری این جشن ها سالروز تولد حزبشان را به شایسته ترین شکل ممکن جشن گرفتند سپاس گذاری کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۶ آذرماه ۱۳۸۰

پیش به سوی تدارک و برگزاری موفقیت آمیز پنجمین کنگره حزب

بن بست «قانونی» اصلاحات، و بحران عمیق «اصلاح طلبان حکومتی»

حزب ما یک سال پیش گفت: «آرامش فعال» باتلاقی است که جنبش اصلاح طلبی را در خود فرو خواهد بلعید!
«ضرورت بازبینی در سیاست «آرامش فعال» و حرکت به سوی «آرامش بازدارنده» - توقیف «عصر ما» و محکومیت محمد سلامتی

با توقیف نشریه «عصر ما» و محکومیت محمد سلامتی، از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، اقدامات آهسته ولی حساب شده و گام به گام ارتجاع برای مسخ کامل جنبش مردم و بازگرداندن آن به دوران گذشته وارد مرحله جدید خود شد. این اقدام در حالی صورت گرفت که هفته قبل محاکمه و محکومیت محمد دادفر یکی از نمایندگان مجلس بحث های فراوانی را در محافل سیاسی برانگیخت. به دنبال توقیف نشریه «عصر ما»، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور اعلامیه بی، با اشاره به اینکه سیاست «آرامش فعال» باید بازنگری شود، خواستار «آرامش بازدارنده» در مقابل ارگان های سرکوب رژیم گردید. در قسمتی از بیانیه سازمان مذکور آمده است: «امروز اصلاح طلبان وظیفه خود می دانند که با قطع امید از باند افراطی و برای دفاع از رای ملت و دستاوردهای آنان، به اتخاذ و اجرای خط مشی ها و تاکتیک های مناسب بپردازند و از امانتی که مردم به آنها سپرده اند، وفادارانه پاسداری کنند.»

حزب توده ایران، از همان آغاز روند عقب نشینی اصلاح طلبان حکومتی در برابر یورش های فزاینده ارتجاع، زیر شعار «آرامش فعال»، ضمن مخرب دانستن چنین سیاست هایی نسبت به پیامدهای خطرناک این سیاست هشدار داد و به همین دلیل مورد حمله تبلیغاتی مستقیم و غیر مستقیم، نیروهای مدافع این سیاست، از جمله شماری از نیروهای راستگرا در درون اپوزیسیون قرار گرفت. حزب ما بیش از یک سال پیش در ارزیابی سیاست «آرامش فعال» نوشت: «رهبری سیاسی جبهه دوم خرداد، با بروز نخستین نشانه های یورش آشکار و وسیع ارتجاع، ضمن دعوت مردم به صبر و تحمل، استراتژی آرامش فعال را با پنهان شدن زیر شعار دوری از خشونت مطرح کرد... حال با گذشت چند ماه از طرح سیاست آرامش فعال که چیزی جز سکوت و بی عملی بخشی از جبهه دوم خرداد و تسلیم و کرنش بخشی دیگر همچون کروی ها در برابر یورش های پی در پی نیروهای ارتجاعی نبوده است، از یک سو به جو بی

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه زنده باد «اتحاد، مبارزه ...»

غارث «آقا زاده ها» و عمق فساد در دستگاه

رژیم «ولایت فقیه»

بحث آقازاده ها، رانت خواری و سوء استفاده کلان مالی در رژیم ولایت فقیه، پدیده یی جدید و نوظهور نیست. این پدیده عمری به قدمت خود رژیم ولایت فقیه دارد. منتها مساله یی که این پدیده را در رژیم ولایت فقیه منحصر به فرد کرده است ابعاد نجومی این سوء استفاده های مالی است که توسط شخصیت های طراز اول رژیم در طول تمامی این سال ها صورت گرفته است. سخنان و نوشته هایی که ظرف یکی دو هفته گذشته منتشر شده است، از زبان مسئولان درجه یک رژیم گرفته تا روزنامه ها و بلندگوهای مجاز در رژیم آشکارا پرده از چنین سوء استفاده های کلان مالی بر می دارد.

علی خامنه ای، ولی فقی، رژیم در نماز جمعه ۱۶ آذر در تهران با اعتراف به وجود چنین مفاسدی در رژیم تحت کنترلش در قسمتی از سخنان خود گفت: «من در سال گذشته در چنین ایامی عرض کردم، پذیرفته نیست که مامور عالی رتبه نظام جمهوری اسلامی، مثل بقیه کاسبی ها، مسئولیت خود را یک کاسبی حساب کند. مسئولیت های والا در نظام جمهوری اسلامی حق ندارد به اعیان و اشراف و پولدارها نگاه کند و زندگی خود را با آنها بسنجد. حق ندارد خود را با نظایر و اشباه خود در حکومت های طاغوتی بسنجد. بله در دستگاه های طاغوتی، یک وزیر، یک مدیر کل و یک رئیس، از زندگی های آنچنانی برخوردارند، ما هم الان بیاییم و خود را با آنها بسنجیم و بگویم ما هم وزیریم و مدیریم. نه، در نظام اسلامی این طوری نیست. در نظام اسلامی، این ماموریت، طمعه نیست، مسئولیت و یک خدمت و یک وظیفه برگردن انسان است.» (اطلاعات بین المللی، ۱۹ آذر)

سخنان خامنه ای در باره «نظام اسلامی» و ادعاهای او در باره مبارزه با پرونده های فساد مالی زینت بخش روزنامه های «خودی» شده بود که افشای اختلاس ۵۰۰ میلیون تومانی فرزند خزعلی از اعضای شورای نگهبان توجه افکار عمومی را جلب کرد. فرزند خزعلی در مصاحبه با روزنامه انتخاب در حالی که با این توجیه که، «ما نمی توانیم یک فرد را به خاطر این که فرزند یک شخصیتی است محروم کنیم اگر آقازاده ها قرار باشد کار اقتصادی انجام ندهند پس چگونه امرار معاش کنند. لابد همه آنها باید معلم شوند.» ضمن توهین به معلمان کشور، تویحا وجود چنین فسادهایی را تایید کرد. فرزند خزعلی در حالی که سعی دارد پرونده های فساد مالی خویش و همفکرانش را با عنوان «تجارت» باز هم توجیه کند در قسمتی دیگر از سخنانش پرونده های دیگر مقامات حکومتی را افشا می کند. وی می گوید: «بانک یک فقره چک از آقای ... به عنوان مطالبات ما در وجه بانک می گیرد. این چک به این دلیل که در وجه بانک است برای ما قابل استفاده نیست. بانک حسابش را با آن شخص تصفیه می کند و از او چک می گیرد. بانک از اقدام بر روی چک های این مسئول مملکتی خودداری می کند و به سراغ من که آه در بساط ندارم می آید. ما باید چکار کنیم. آقای ... وزیر بوده، با او برخورد نمی توانند بکنند، ما را اذیت می کنند.» (اطلاعات بین المللی، ۲۰ آذر)

تا اینجا کار معلوم شده که فرزند یکی از اعضای شورای نگهبان پرونده فساد مالی دارد و یکی از وزراء هم در این رابطه یا رابطه دیگر چنین پرونده مشابهی دارد. موضوع به همین جا ختم نمی شود. علی امامی راد نماینده کوهدشت در مصاحبه با ابرار در حالی که بسیاری از نمایندگان از اسامی آقازاده هایی که اخیرا بازداشت شده اند اظهار بی اطلاعی می کردند گفت: «چهار نفر از بازداشت شدگان را می شناسم که پدرانشان روحانی هستند. شهرام «ج» با برقراری ارتباط با این افراد توانسته است میلیاردها تومان ثروت بادآورده جمع آوری کند.» (اطلاعات بین المللی، ۲۱ آذر) به این ترتیب با توجه به داده های فوق تعداد زیادی از افراد منتسب به بالاترین مقام های حکومتی نیز در بازداشت بسر می برند اما تاکنون افکار عمومی هیچ گونه اطلاعی از این پرونده ها که به اعتراف خود حکومتیان پرونده های چندین میلیاردی است، ندارند. روزنامه های مجاز هفته گذشته تقریبا و بدون استثنا به موضوع مفاسد اقتصادی اشاره کرده بودند.

حتی روزنامه های رسوایی همچون کیهان و رسالت هم وارد این هیاهوی بزرگ شده بودند. اینجا بحث بر سر اینکه قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه قرار است این «آقاها» و «آقازاده ها» را به مجازات برساند را مع الفارغ می دانیم، چون به دلیل در هم تنیدگی ساختار حکومتی موجود، با چنین پدیده هایی چنین برداشتی چیزی جز خوش خیالی نخواهد بود. تنها احتمالی که می توان در مورد این قضایا دانست این است که با عنوان کردن چنین مساله ای پرونده هایی تشکیل شود که در آن افرادی مورد محاکمه قرار گیرند که در سابق اقدام به حیف و میل اموال عمومی کرده اند و اکنون بر طبل اصلاح طلبی می کوبند. نمونه کرباسچی در بعد از دوم خرداد ۷۶ هنوز از خاطر افکار عمومی پاک نشده است. اما مساله مهم تر اینکه دیگر حتی برای حکومتیان هم انکار این مساله که «نظام نمونه اسلامی» متشکل شده است از مثنی دزد و جنایتکار و غارتگر اموال عمومی بسیار مشکل به نظر می رسد. تمامی افشاگری های فوق توسط مقامات حکومتی و منتسبان به آنها صورت گرفته اما تاوان چنین فسادهای گسترده را باید زندانیان سیاسی، دانشجویان، کارگران و زحمتکشان و زنده یادانی همچون داریوش و پروانه فرور، مختاری، پوینده و شریف، با تحمل زندان، شکنجه، به قتل رسیدن ها و حبس های طولیل المدت بدهند. رژیم ولایت فقیه نمونه و تجسم عینی جنایت، غارت، سبعیت، فساد و بحق نمونه یی منحصر به فرد در جهان است.

دانشجویان شاهد حضور و سخنرانی خانواده زندانیان سیاسی در بند رژیم ولایت فقیه بود. به گزارش خبرگزاری دانشجویان امیر کبیر از این مراسم، اکبر عطری، در سخنانی با ذکر یادی از شهید جنبش دانشجویی، در آذر ماه ۱۳۳۲، به وسیله رژیم سلطنتی، در باره تعریف اصلاحات گفت: «در اصلاحات، حاکمیت باید رای مردم را به رسمیت بشناسد. ما از اصلاحاتی حمایت می کنیم که اکثریت مردم طرفدار آن هستند و اصلاحاتی که در برگزیده رای و نظر مردم نباشد جز استمرار رفتار آمرانه و اقتدارگرایانه یک جریان خاص نیست.» او افزود: «کسانی که شعار اعتدال می دهند، چه منظوری از افراطیون دارند؟ آیا آنان منظوری جز دانشجویان اصلاح طلب و آرمانگرا داشتند؟ حالا نوبت خود آنهاست و ما شاهدیم که نمایندگان مجلس را محکوم می کنند» او افزود: «از آیین نامه تشکل ها و شیوه نامه هایی که در وزارتخانه های دولت اصلاحات تنظیم شده تمکین نخواهیم کرد.» یکی دیگر از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه خواجه نصیر تهران در سخنانی به انتقاد از کسانی پرداخت که جنبش دانشجویی را دارای ضعف تئوریک می داند، اظهار داشت: «این بحث ها برای طرد جنبش دانشجویی است.» او علت ضعف جنبش را رفتارهای قبیله مابانه قشری از حکومت دانست و اظهار داشت: «تنها راه خروج از این بن بست بسیج افکار عمومی در جهت اهداف جنبش است.» همسر دکتر پیمان در سخنان کوتاهی نقش همسرش و سایر زندانیان سیاسی را اقدام در جهت آزادی دانست و شعری از سیاوش کسری قرائت کرد، که با استقبال و تشویق دانشجویان مواجه شد. حضرت زاده از اعضای انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی از محمد خاتمی خواست در شورای عالی انقلاب فرهنگی که وجاهت قانونی ندارد حضور نیابد و با مردم صادق باشد.

یکی از دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان این دانشکده را که خطاب به خاتمی نوشته شده بود خواند. در این بیانیه با طرح پرسش هایی از جمله اینکه مردم سالاری دینی دارای چه ماهیتی است، از خاتمی خواسته شده بود نه از باب اعتدال، که از باب اقتدار برخورد کند. یکی دیگر از دانشجویان با اشاره به اینکه سیاست اعتدال باقی مانده از دولت رفسنجانی است، گفت: «آقای خاتمی هم در حال تکرار اشتباه آقای رفسنجانی است. اینکه ما می گویم مجلس تنها نهاد قانون گذاری باشد و نهاد دانشگاه از نهادهای قدرت جدا شود تندروری نیست.»

در این مراسم هاله سحابی دختر مهندس سحابی در میان تشویق شدید و شعارهای سلام بر مصدق، درود بر سحابی سخنانی ایراد کرد. اجتماع شکوهمند دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر در حالی برگزار گردید که مباحثات گران اصلاح طلب ادعا می کردند جنبش دانشجویی منفعل و سیاست زده شده است. حضور گسترده و نمایشات پرشکوه دانشجویی خاری بود در چشم این مدعیان قلابی اصلاحات.

کارزار بین المللی بر ضد موج سرکوب

هفته گذشته بیانیه اعتراضی بی انتشار یافت که در آن شماری از ایرانیان در خارج از کشور با امضای آن خواستار پیوستن تمامی نیروهای مترقی و فعالان سیاسی به کارزار دفاعی بین المللی، بر ضد موج سرکوب و محاکمات فرمایشی گردیدند. در این بیانیه آمده است:

«همزمان با فرارسیدن سومین سالگرد قتل های سیاسی، مردم ایران دیگر بار شاهد اوج گیری فضای سرکوب و استبداد در میهن خویش اند. سیاست بازداشت گسترده جوانان، پیگرد دانشجویان، حبس روزنامه نگاران و توقیف نشریات کماکان ادامه دارد. محاکمات غیر علنی و انفرادی اعضای نهضت آزادی ایران و ائتلاف نیروهای ملی - مذهبی از تاریخ بیستم آبان ماه سال جاری بی توجه به هشدارهای سازمان ملل متحد، همچنان

ادامه دارد و گویا تا کنون دو تن از متهمان به حبس های بلند مدت محکوم شده اند. دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران ناتوان از اثبات اتهام اولیه خود علیه این طیف، مبنی بر توطئه براندازی، متهمان را به استناد مواضع رسمی و تحلیل های مکتوب این گروه محکوم می سازد و این دومین بار است که این نیروی سیاسی به جرم ابراز همین مواضع در دو دهه گذشته محکوم می شود!

امضاء کنندگان این بیانیه برپایی چنین دادگاه هایی را که نقض آشکار و مسلم کلیه موازین شناخته شده بین المللی و حتی قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران است، از اساس مردود دانسته و همصدا با کلیه نهادهای مدافع حقوق بشر در جهان، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی در ایران شده اند. این بیانیه را تعداد زیادی از نویسندگان، هنرمندان و شخصیت های سیاسی امضاء کرده اند و جمع آوری این امضاء ها همچنان ادامه دارد.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران

۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ - عمال حکومت شاه و زاهدی به زندان رشت یورش بردند. در جریان این حمله پنج نفر زندانی به نام های محمد تقی اقدم دوست، علی بلندی، هرمز نیک راه، سبز علی محمد پور، محمد تقی محبوب کار به قتل رسیدند و عده ای دیگر مجروح شدند.

۲ خرداد ۱۳۳۳ - اعتصاب کلیه زندانیان سیاسی زندان های تهران در اعتراض به کشتار پنج نفر از زندانیان سیاسی رشت و قتل وارطان سالخانیان و کوچک شوشتری

۲۹ خرداد ۱۳۳۳ - این روز را مردم تهران به مناسبت سومین سال خلع ید، به دعوت حزب توده ایران و نهضت ملی مقاومت به روز تظاهرات بر ضد رژیم شاه - زاهدی تبدیل کردند. در نقاط مختلف تهران با وجود اشغال پلیس، تظاهرات پرشوری بر ضد کنسرسیوم و کودتاجیان صورت گرفت.

۲۸ شهریور ۱۳۳۳ - امضای قرارداد نفت با کنسرسیوم توسط دکتر امینی، وزیر دارایی کابینه زاهدی.

مرداد ۱۳۳۳ - کشف سازمان افسری حزب توده ایران.

۲۷ مهرماه ۱۳۳۳ - در این تاریخ نخستین گروه افسران عضو حزب توده ایران همراه با مرتضی کیوان، شاعر، به فرمان شاه تیرباران شدند. نام رفقای شهید عبارت بود از: ۱. سرهنگ سیامک ۲. سرهنگ مبشری ۳. سرهنگ عزیزی ۴. سرگرد عطارد ۵. سرگرد دکتر وزیریان ۶. سروان مدنی ۷. سروان واعظ قائمی ۸. سروان شفا ۹. سروان افراخته ۱۰. مرتضی کیوان.

۱۷ آبان ۱۳۳۳ - تصویب قرار داد با کنسرسیوم نفت ایران. رژیم کودتا با امضای این قرار داد خیانت عظیمی به مصالح خلق های ایران کرد.

۸ آبان ۱۳۳۳ - گروه دوم افسران عضو حزب توده ایران مرکب از رفقا: ۱. سرگرد بهنیا ۲. سروان بیاتی ۳. سروان کلالی ۴. سرگرد محبی ۵. سروان کلهری ۶. سروان مهدیان تیرباران شدند.

۱۷ آبان ۱۳۳۳ - گروه سوم افسران توده ای مرکب از رفقا: ۱. سرهنگ کاظم رشیدی ۲. سرهنگ امیرافشار بکشلو ۳. سرهنگ محمد جلالی ۴. سرگرد جعفر وکیلی ۵. ستوان یکم محمد باقر واله، به دست دژخیمان شاه تیرباران شدند.

۱۹ آبان ۱۳۳۳ - شهادت دکتر حسین فاطمی، وزیر امور خارجه دولت دکتر محمد مصدق.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

حزب توده ایران حمله وحشیانه به حزب کمونیست شیلی را محکوم می کند!

حزب توده ایران، حمله تبهکارانه نیروهای امنیتی شیلی در روز ۷ آذر (۲۸ نوامبر ۲۰۰۱) به ساختمان مرکزی حزب کمونیست شیلی را، در سانتیاگو، پایتخت شیلی، شدیداً محکوم می کند. ما خشونت و نیروی به کار برده شده از سوی صدها پلیس مسلح بر ضد کسانی که در داخل ساختمان بودند، و همچنین دستگیری ۴۰ عضو حزب و از جمله رفیق گلاذیس مارین، دبیر کل حزب برادر در شیلی را محکوم می کنیم. هدف این حمله پراکندن جو ترس و وحشت در میان اعضای حزب و تمامی طیف نیروهایی است که برای دموکراسی و حقوق انسانی در کشور و بر ضد سیاست های نولیبرالی دولت شیلی مبارزه می کنند. این اقدام نشانگر هراس ارتجاعی ترین نیروها در حاکمیت شیلی، از امکان دست یابی حزب کمونیست شیلی به پیروزی های چشم گیری در انتخابات سراسری آینده است.

حزب توده ایران که خود سالیان دراز مورد حمله و پیگرد رژیم های دیکتاتوری در ایران بوده است، خواستار توقف فوری عملیات ایدایی بر ضد حزب کمونیست شیلی است. حزب ما هم چنین خواستار آزادی تمامی کسانی است که در جریان حمله ۲۸ نوامبر ۲۰۰۱ دستگیر شده اند. ما در کنار نیروهای ترقی خواه جهان خواهان تضمین دولت شیلی درباره عدم دخالت آن در شکل گیری روند دموکراتیک در انتخابات آتی این کشور است. رهبری، اعضا و هواداران حزب توده ایران همبستگی خود را با رفقای حزب کمونیست شیلی اعلام می کنند و آرزومند پیروزی های حزب برادر در مبارزه برای اعاده دموکراسی واقعی در شیلی می باشند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۴ آذر ۱۳۸۰ (۵ دسامبر ۲۰۰۱)

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

جشن پرشکوه شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران در آلمان

جشن پر شکوه شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، با شرکت نزدیک به هزار تن از اعضا، هواداران، دوستان و همپانان ایرانی و خارجی، در شهر کلن آلمان برگزار شد. در زیر گزارشی کوتاه از جشن را از زبان یکی از رفقای شرکت کننده درج می کنیم:

«شنبه، ساعت ۵/۳۰ به محل جشن می رسم. جلوی ورودی غلغله جمعیت است. سرانجام پس از عبور از در ورودی وارد سالن بزرگ جشن می شویم. راه روها از جمعیت پر است، و در درون سالن جایی برای نشستن نیست. رفقای سازمان دهنده گروه گروه صندلی های اضافی می آورند تا انبوه جمعیت بتواند جایی برای نشستن داشته باشد. سالن به شکل پراپهتی با عکس شهدای توده ای تزئین شده است. بر فراز صحنه اجرای برنامه تصاویر رفیق دکتر تقی ارانی و حیدر عموغلی و در سوی دیگر سالن عکس های مارکس، لنین، انگلس یاد آور تاریخ پر افتخار و اعتقاد خدشه ناپذیر حزب ما به اندیشه های دوران ساز سوسیالیسم است. در گوشه دیگر سالن سیمای خندان رفیق قهرمان فاطمه مدرسی (سیمین فردین) است، در طرف دیگر نقاشی چهره اسطوره پایداری و مقاومت رفیق رحمان هاتقی (حیدر مهرگان) بر دیوار نصب شده است و در جانب دیگر سالن تصویر رفیق خسرو روزه، قهرمان ملی، در کنار تصویر صدها شهید توده ای، که در جریان فاجعه ملی قتل عام زندانیان سیاسی، توسط رژیم ولایت فقیه به خون در غلطیدند فضای احترام و قدرشناسی عمیق نسبت به راد زنان و راد مردان مبارز میهن ما به سالن می دهد. جلو صحنه و محل اجرای برنامه ها، با شصت گل سرخ، پرچم حزب توده ایران و شعار فرخنده باد شصتمین سالگرد حزب توده ایران تزئین شده است. شعار «آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران» در گوشه بی دیگر نشانه همبستگی خدشه ناپذیر توده ای ها با همه مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن است. در کنار در ورودی میز کتاب انتشارات حزب توده ایران که با انتشارات حزب تزئین شده است، شمار بسیاری از شرکت کنندگان را به خود جلب کرده است. برنامه سرانجام در غلغله جمعیت انبوه، ربوبی های گرم رفقا که از هر سو گرد هم آمده اند و لبخند های شادی و رضایت از برگزاری پر شکوه شصتمین سالگرد حزب توده ای مان آغاز می شود. رفیق زن اجرا کننده پشت میکروفن قرار می گیرد و با تبریک سالگرد حزب و تشکر از حضور مهمانان اعلام برنامه می کند. برنامه با سخنرانی رفیق علی خاوری، به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران آغاز می شود. رفیق خاوری پشت تریبون قرار می گیرد و با تشکر از شرکت کنندگان، جمعیت را به یک دقیقه سکوت به احترام ده ها هزار شهید توده ای و همه شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی فرا می خواند. جمعیت یکپارچه به پا می خیزد. سکوت سنگینی بر سالن حاکم است. فقط تپش قلب های گرم را می توان احساس کرد و ناگهان سکوت سنگین سالن با سرود حزب درهم شکسته می شود: «پر شکن هر سد اگر خواهی آزادی...» جمعیت به خروش می آید و فریاد «حزب ما توده را سازد پیروز می رسد فردایی از پس امروز...» دیوارهای سنگی سالن را به لرزه در می آورد و جشن شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران این چنین آغاز



می شود. رفیق خاوری در سخنرانی پر شور و جالبی از تاریخ حزب توده ایران، از قهرمانی های توده ای ها، از احترام مخالفان حزب و از شش دهه تلاش های دشمنان برای نابودی حزب توده ها سخن می گوید. حزب توده ایران زنده است و به پیکار خود ادامه می دهد. سخنرانی رفیق خاوری در میان احساسات گرم و پر شور حضار به پایان می رسد، نوجوانی با دسته گل سرخ به استقبال رفیق می رود و جمعیت همچنان به ابراز و احساسات خود ادامه می دهد... سخنران بعدی رفیق مهدی فتاپور، به نمایندگی از جانب شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است. رفیق فتاپور ضمن شادباش شصتمین سالگرد حزب و اشاره به تاریخ پر فراز و نشیب و شکست ها و پیروزی های حزب از جمله گفت: «حزب توده ایران کهن ترین سازمان سیاسی کشور و از پایه گذاران سنت فعالیت حزبی در ایران است. این حزب در همان دوران اولیه فعالیت خود با جذب بخش بزرگی از برجسته ترین روشنفکران کشور منشا نوآوری هایی در کشور بود که آثار آن تا سال ها برجای بود. وی از جمله به تشکیل حوزه های حزبی با شرکت زنان و مردان اشاره کرد که در شرایط آن روز ایران عملی انقلابی بود. رفیق فتاپور ضمن اشاره به اوضاع کشور و مبارزه مشترک توده ای ها و فدائی ها در راه آزادی و عدالت اجتماعی تذکر می دهد که: «بغرنجی های شرایط کنونی و تحولات جهان در سال های اخیر وظایف سنگینی را در برابر همه نیروهای چپ قرار داده است. پاسخ گویی به این بغرنجی ها تلاش ذهنی سنگینی را می طلبد که مرز سازمانی نمی شناسد و می تواند همه نیروهایی را که به آرمان های بشری، عدالت اجتماعی و پیشرفت ایران معتقدند در برگیرد...»

سخنران بعدی رفیق ایرنه لانگ، عضو رهبری حزب کمونیست آلمان است که شصتمین سالگرد تأسیس حزب را به رفقای توده ای تبریک می گوید و با اشاره به تاریخ روابط میان دو حزب، بر همبستگی کمونیست های آلمانی با حزب توده ایران تأکید می ورزد. در پی سخنرانی رفیق آلمانی رفیق آرژانتینی، دانیل رودریگز ترانه های زیبایی از ویکتور خاربا به زبان اسپانیایی اجرا می کند. آهنگ همبستگی با کوبای انقلابی با استقبال گرم حضار روبه رو می شود. پس از آن، شاعر توده ای، رفیق ایرج پشت تریبون قرار می گیرد و با اشعار زیبای خود سالن را به شور و شوق می آورد. سپس نوبت اجرای برنامه تئاتر (نمایشنامه خوانی) به نام «خاطرات دو سنگر»، توسط استاد رکن الدین خسروی می رسد، مضمونی مؤثر درباره جنگ و اثرات مخرب آن. برنامه پس از ساعتی تنفس برای صرف شام با اجرای نمایش مجلس «کاوه آهنگر»، به شیوه تقالی، توسط هنرمند میهمان، حمید عبدالملکی آغاز می شود، که با استقبال گرم حضار روبه رو می شود. پس از تقالی، نوبت به رقص زیبای محلی قاسم آبادی و سپس هنرنمایی گروه هنری رفقای آلمانی، به نام «روت دورن»، از هامبورگ می رسد. ترانه های زیبای همبستگی جمعیت را به مشارکت در برنامه می کشاند و فضایی خاص به سالن می دهد. پس از برنامه گروه هنری رفقای آلمانی نوبت به اجرای برنامه زیبای رقص های محلی توسط دو دختر خانم نوجوان و رقص ایرانی توسط خانم هنرمندی می رسد. طنین آهنگ ها و رقص زیبای محلی جمعیت را به وجد می آورد و جمعیت با کف زدن هنرمندان را همراهی می کنند. پاسی از نیمه شب گذشته است و جمعیت همچنان در سالن باقی مانده است، سرانجام بخش رسمی برنامه با سرود انترناسیونال پایان می یابد.

مردم گویی خیال ترک سالن را ندارند. شور و شوق برخاسته از جشن خستگی ساعت ها سرپا ایستادن را از تنم می زداید. به عکس شهدای توده ای نگاه می کنم و بی اختیار شعری از شاعر بزرگ، سایه، را با خود زمزمه می کنم:

«گلوی مرغ سحر را بریده اند و،

هنوز

درین شط شفق

آواز سرخ او

جاری است...»

سخنان رفیق علی خاوری به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

مهمانان ارجمند، دوستان و رفقای گرامی!

حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان ایران این روزها شصتمین سال تولدش را برگزار می کند. این کمیت در دورانی این چنین پر حادثه و پر آشوب، با توفان های سهمگین سیاسی و اجتماعی چه در میهن ما و چه در جهان بیانگر واقعیت شگرفی است که تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معاصر میهن ما و تا حد شایان توجهی گستره محیط و همسایگان ما را زیر تاثیر نیرومند خود داشته است. شصتمین سال سخن از کیفیتی می گوید که دقیقه ها، ساعت ها، روزها و شب ها و سال های نبردی دشوار و نفس گیر هزاران رزمنده عاشق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را واقعیت بخشید. از دقیقه ها، ساعت ها، روزها و شب ها گفتم تا تصویری نزدیک تر از بیش از ده هزار سال زندان که فرزندان حزب در راه تحقق آرمان های حزبشان کشیده اند، داشته باشیم. تا در برابر صدها و صدها نفر شهدای قهرمان حزب در لحظات دشوار انتخاب بین مرگ و زندگی، مرگی افتخار آفرین در راه آرمان های والای انسانی و تسلیمی عاجزانه و زبون در برابر گزمنگان تاریخ، سر فرود آورده باشیم. توده ای ها حق دارند به این تاریخ ببالند. پیدا کنید حادثه ای سیاسی و اجتماعی در تاریخ شصت ساله میهن ما را که به نحوی مستقیم و یا غیر مستقیم اثر انگشت توانای حزب آنها را بر خود نداشته باشد. از این رو پرومته تاریخ معاصر میهنش بنامیم سخنی به گراف نگفته ایم.

گفته ای هم نه از زبان موافقان بشنویم. گفته یکی از شخصیت های برجسته سیاسی، ولی مخالف حزب توده ایران را در آن سال ها، مهندس مهدی بزرگان که می گفت: «مبارزات سیاسی در دوران جدید و تاسیس حزب و گروه های انقلابی را توده ای ها به جوانان ایرانی یاد دادند، حال اگر چه ما با آنها مخالفیم ولی حق را باید گفت که در آن زمان نه ملی ها و نه آخوندها، هیچ یک در این مسایل وارد نبودند و عملاً کمونیست ها بودند که اندیشه مبارزه سیاسی را به ایران آوردند و راه و رسم آن را به همه تعلیم دادند.

شخصیت ملی، مذهبی دیگر، مهندس عزت اله سبحانی می گوید: «... حزب توده به دلیل قدرتی که در سال های ۲۰ تا ۳۲ به دست آورد، توانست تحولاتی در جامعه ما به وجود آورد، قانون کار ایران در سال ۱۳۲۵ زمانی که اعضاء حزب توده در کابینه قوام شرکت داشتند به همت و پیشنهاد این حزب به تصویب رسید... تحولاتی که این حزب در ایران به وجود آورد از دلایل دوام و نفوذ حزب توده در ایران بود.»

آری تدارک زمینه نیروی اجتماعی، قدرت تشکیلاتی منسجم، آگاه، با تفکری مردمی در خدمت زحمتکشان و توده های محروم جامعه خالق اقدامات و تصمیمات مهمی شد که زنجیروار حوادث بعدی را تحت تاثیر خود داشت. تصویب نخستین قانون کار ایران در سال ۱۳۲۵، با قبول ۸ ساعت کار، ۲ هفته مرخصی سالیانه، ۶ هفته مرخصی زنان باردار، منع استفاده از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال و تأمین بیمه اجتماعی، پذیرش اول ماه مه حادثه مهم تاریخی بود که تاثیر وصف ناپذیرش را بر جنبش کارگری و مبارزات حق طلبانه زحمتکشان ایران باقی گذاشت.

حزب توده ایران که قریب ۷۵ درصد اعضاء آن از کارگران و



زحمتکشان تشکیل می شد، توانست بزرگ ترین پیروزی را در امر تشکل توده های کار و زحمت به دست آورد.

در اردیبهشت ۱۳۲۳ شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان یگانه سازمان صنفی کارگران ایران اعلام فعالیت کرد و همین شورا بود که تا ۹۵ درصد کارگران ایران را در صفوف خود متشکل ساخت.

کار عظیم در بین دهقانان کشور به ثمر نشست. حزب کارگران و زحمتکشان چندین صد هزار دهقانان محروم کشور را در اتحادیه های دهقانی برای بیکار در راه به دست آوردن حقوق پایمال شده آنها متشکل ساخت. داستان اصلاحات نیم بند، بعد و بعد اصلاحات ارضی به اصطلاح انقلاب سفید. این ها و همه مسایل مربوط به این طبقه عظیم زحمتکشان میهن ما به دنبال همان روشنگری گسترده و عمیق حزب در روستای ایران بود که هنوز هم آثارش با برجاست.

ارسنجانی وزیر کشاورزی شاه حق داشت آن وقت که شکوه می کرد: «دهقان ایرانی به جای این که به تبلیغات ما گوش دهد به تبلیغات پیک ایران گوش می دهد.

حزب توده ایران در زیر آتش قطع نشدنی ارتجاع و استبداد و امپریالیسم صفوف خود را آرایش داد، سازمان های نیرومند کارگری، دهقانی، جوانان، زنان با برنامه های روشن و علمی خواست های صنفی آنان را به وجود آورد.

مارش ظفر نمون این گردان های بسیج شده رخوت و سکوت و سکون دوران استبداد رضاخانی را به یکباره درهم شکست.

این ارتش عظیم راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را، با تغییر کوچکی در شکل، به بیان خسرو روزبه، قهرمان ملی میهن ما «با تمام عقل و شعور و منطق و درایت و به اقتضای آتشی که در درون سینه هایشان به خاطر خدمت به خلق های ایران شعله می کشید»، پی گرفتند.

حزب توده ایران نخستین سازمانده جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک میهن ما بوده است. نقش هدایتگر و سازمانگر آن در ایجاد جبهه های گوناگون، از جمله جبهه آزادی که ۴۴ روزنامه یعنی نیمی از روزنامه های وقت را در برداشت تکانی نیرومند برای ایجاد روحیه تعاون و همکاری در مبارزات آزادیبخش و ملی میهن ما بود. حجم مطبوعات بسیار متنوع حزب در دوران فعالیت علنی اش بیشتر از حجم مطبوعات همه احزاب دیگر در آن موقع و قبل از آنست. این کمیت عظیم همراه با آن محتوای عظیم تر روشنگری گسترده و ژرف غیر قابل بازگشتی را در میهن ما به عهده گرفت، آزاد اندیشی، بیکار پیگیر برضد تاریخ اندیشی، خرافات، عقب ماندگی، آشنا ساختن خوانندگان با پیشرفته ترین دستاوردها در زمینه های گوناگون علمی، فرهنگی و هنری نقشی بی همتا تا آن زمان ایفاء کرد.

تلاش بی وقفه این مطبوعات در راه دفاع از حقوق زحمتکشان، زنان، جوانان و آموختن راه و روش دست یابی به این آماج ها و بسط نوگرایی فکری و فرهنگی توده های بزرگ کار و زحمت و روشنفکران مردمی را به میدان مبارزات سیاسی و اجتماعی کشانید.

این مجموعه سلاح نیرومند حزب از همان آغاز به گفته نیما همان آبی بود که در لانه مویگان ارتجاع و استبداد ریخته شد و آنها را به چاره اندیشی برانگیخت. آنها در مقابله با قدرت عظیم توده های کار و زحمت و روشنفکران مترقی متشکل در صفوف حزب عاجز از هر نوع امکان رویارویی اندیشه، چاره را در فریب، تحریف، دروغ، زور، شکنجه، آتش زدن کلوب ها، زندان و اعدام دیدند و این کار از همان نخستین سال های پیدائی حزب تاکنون با شدت و حدت تمام ادامه داشته و دارد و ما تردید نداریم که توده های محروم خواهان آزادی از قید و بند ارتجاع و استثمارند که حرف آخر را خواهند زد.

و اما به آن دسته از مخالفانی که مخالفتشان با انگیزه های طبقاتی نیست توصیه می کنیم که به این امر توجه داشته باشند که ارتجاع و استبداد از همان لحظاتی که حزب در عرصه سیاسی ایران

ادامهٔ بن بست «قانونی» اصلاحات و بحران عمیق ...

اعتمادی مردم به جنبش اصلاحات و رهبری آن دامن می زند و از سوی دیگر نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات را ... دچار سردرگمی و بی برنامه‌گی خطرناکی می کند...» و نتیجه مهم اینک: «اگر بخواهیم واقع بینانه با تحولات مهم اخیر برخورد کنیم، باید بگویم که سیاست آرامش فعال در واقع باتلاقی بوده است که ذره ذره جنبش مردمی را به کام خود فرو می بلعد...» پس از گذشت بیش از یک سال و انواع و اقسام تحلیل های مشعشع و رنگارنگ دربارهٔ درستی سیاست «آرامش فعال» و متهم کردن مخالفان، از جمله حزب تودهٔ ایران به بی توجهی به اوضاع کشور و نازاندن جنبش و از همه مهمتر تحلیل بردن توان جنبش، به نظر می رسد که بخش هایی از رهبری و نیروهای شرکت کننده در جبهه دوم خرداد، امروز کم کم به همان نتایج و نظراتی رسیده اند که حزب ما طرح کرده بود.

محکومیت محمد سلامتی در حالی صورت می گیرد که در هفته های گذشته زمزمه دستگیری و بازداشت بهزاد نبوی در محافل سیاسی شنیده می شد. بهزاد نبوی در خصوص خبر چاپ شده در کیهان در مورد احضار اعضای هیات مدیره پتروپارس به خبرنگاران گفت: «خبر کیهان احتمالاً موثق است چون آنان از همه چیز خبر دارند حتی قبل از صدور قرار بازداشت» (آفتاب یزد، ۱۳ آذر). محکومیت محمد دادفر، حکم زندان برای محمد سلامتی، بازداشت قریب الوقوع بهزاد نبوی و زمزمه هایی دیگر مبنی بر دستگیری و محاکمه تعدادی دیگر از نمایندگان مجلس را باید هشدار باشی به نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات قلمداد کرد. تعرضات گسترده و حساب شده قوه قضاییه به نیروهای «خودی» در هفته گذشته، بیش از آنکه نشان از توانایی این قوه سرکوب داشته باشد، ریشه در سیاست های بسیار مخرب افراد و نیروهای سیاسی جناح حکومتی طرفدار اصلاحات دارد. نگاهی به سخنان بعضی از این نیروها در رابطه با محکومیت محمد دادفر عمق فاجعه را در جنبش مردمی آشکار می سازد. محتشمی، از نمایندگان «اصلاح طلب» و تزیقی شورای نگهبان به مجلس، در باره اقدامات به عمل آمده در باره حکم دادفر، گفت: «مجلس برای حل مشکلات دراز مدت خود با قوه قضاییه تاکنون یازده جلسه مشترک با مسئولان این قوه تشکیل داده و توافقات متعددی نیز شده است و قرار است این جلسات ادامه یابد زیرا تفاهماتی در مورد مصونیت نمایندگان انجام شده است.» (نوروز، ۲۱ آذر) وی تاکید کرد که، شخصاً معتقد به راهکار مذاکره است، زیرا مسیر اصلاحات باید از طریق منطقی، استدلال و گفت و گو پیش رود. شکوری راد، یکی دیگر از اعضای هیات رئیسه مجلس و از نمایندگان «اصلاح طلب» مجلس نیز با اشاره به مذاکرات رئیس مجلس {کروبی، کارگزار ولی فقیه در مجلس} با شاهرودی و نمازی به تلاش های هیات رئیسه برای لغو حکم دادفر اشاره کرد و افزود: «آقایان قول مساعد داده اند بر اساس تقاضای دادفر ماده ۲۳۵ آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب اجرای حکم متوقف شود.» (همانجا) از کمیدی ترین قسمت های این اقدامات جلسه فراکسیون دوم خرداد در این رابطه است. آیتی نماینده از بیرجند در رابطه با این جلسه که در آن به کشفیات جدیدی رسیده اند، گفت: «اعتقاد اکثریت نمایندگان این بود که تقابل قوه قضاییه با مجلس اساساً بین دو تفکر اصلاح طلب و محافظه کار است که در قالب برخوردهای مختلف در طول دوره مجلس ششم خود را نشان می دهد که بخشی از آن به صورت احکام قضایی جلب و احضار نمایندگان در رابطه با اظهارات آنان بوده است.» آیتی اضافه کرد: «در ادامه جلسه پیشنهادهای نمایندگان اصلاح طلب مطرح شد که یک پیشنهاد مذاکره هیات رئیسه با قوه قضاییه و حل مسئله به صورت دوستانه بود» وی همچنین اعلام کرد اگر مذاکرات نتیجه نداد تحصن می تواند یکی دیگر از راهکارهای عملی باشد. نگاهی به اظهارات اصلاح طلبان حکومتی در مورد محکومیت محمد سلامتی و توقیف نشریه «عصر ما» چیزی متفاوت تر با اظهارات فوق به دست نمی دهد. در حالی که اقدامات ارگان های سرکوب بر ضد جنبش مردمی هر روز بیشتر می شود، هذیان گویی و پرت و پلاهای اصلاح طلبان حکومتی و تحلیل هایی که در انتها نظر به «حفظ نظام» به هر قیمتی را دارد عملاً مانع از هرگونه اقدام عملی در این زمینه می گردد. اما مسأله بسیار مهم و حیاتی در رابطه با جنبش اصلاحات این است که وظیفه نیروهای مترقی در این رابطه چیست؟ واقعیت آن است که حتی در بین نیروهای اصلاح طلب حکومتی کم نیستند کسانی که اصولاً اعتقادی به برنامه اصلاحات ندارند و هدف آنان سوار شدن بر موج اصلاحات و در واقع مسخ آن، در چارچوب منافع شخصی و یا گروهی است. چنین نیروهایی در درون مجلس و بیرون آن به نحو ریاکارانه ای مشغول به فعالیت هستند و اقدامات تحدیدی قوه قضاییه بر ضد نیروهای «خودی» و «غیر خودی» تضاد اساسی با نیات باطنی این نیروها ندارد. تلاش اساسی این طیف از نیروهای بر خورده در صف نیروهای اصلاح طلب گرفتار کردن جنبش در چنبره افکار و خیال های پوچ مذاکره با اشخاصی همچون شاهرودی، گلزاده و مرتضوی و غیره، برای «نجات» اصلاحات است که در واقع راه را برای هموار کردن بیشتر سرکوب ها مهیا می سازد.

امروز مردم به خوبی دریافته اند که راه های «قانونی» پیش برد امر اصلاحات، خصوصاً در چارچوب تصویب قوانین اجرایی در این مورد، از سوی مجلس شورای اسلامی به بن بست کامل رسیده است. متوقف ماندن تمامی لوائح مجلس در دژ مستحکم ارتجاع، یعنی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت رژیم جای هیچ گونه خوشبینی را در بارهٔ توان و امکانات این چنین نهادهایی باقی نمی گذارد. اگر چنین ارزیابی درست باشد، که همه تجربیات عینی جنبش و مردم بر صحت آن دلالت دارد، آن وقت باید به دنبال راه کارهای دیگری برای مقابله با توطئه های مهلک ارتجاع حاکم بود. با خاک پاشیدن بر چشم جنبش دربارهٔ «موثر» بودن مذاکرات در بالا، جنبش بیش از این دچار ضایعات و لطمات جدی خواهد شد. تنها راه موثر مقابله با ارتجاع بسیج توده ها و استفاده فعال از نیروی اجتماعی مدافع اصلاحات برای وادار کردن ارتجاع حاکم به عقب نشینی است. سازماندهی جنبش مردمی و استفاده از همه امکانات موجود در اعتراض به تهاجم ارتجاع گام نخست در بازسازی سنگرهای ضربه دیدهٔ جنبش و برخورد فعال و جدی با بحران کنونی است.

ادامهٔ جهان خواستار لغو تحریم ...

بیهوده، نه فقط برای حفظ جو صلح بین المللی و ثبات، بلکه بخاطر حفظ احترام به مصوبه سازمان ملل متحد که ۱۵ سال قبل حق رشد و پیشرفت و برابری برای همه کشورها به تصویب رساند و به خاطر تحقق مصوبه این سازمان برای کاهش فقر در جهان. ما آماده ایم که علیه فقر، بی سواد، خشکسالی، بیماری خامنوسوز ایدز که هم اکنون تلفات بیشماری را در قاره آفریقا ببار آورده، در سازماندهی ائتلافی شرکت کنیم.

این ائتلاف از مرگ تالم بار بیش از چهارهزار نفر مردم بی گناه در آمریکا به منظور انتقام جویی تشکیل یافته است. باهم جمع شویم تا بر ضد این جنایت بزرگ خواستار اجرای عدالت شویم. و این کار را بدون جنگ انجام بدهیم. بیائید با هم صدها هزار تن از زنان محروم را که هر سال در موقع زایمان جان خود را از دست می دهند، نجات دهیم. بیائید با هم ۱۲ میلیون کودک در جهان سوم را که هر ساله پیش از رسیدن به سن ۵ سالگی بدلیل بیماری هایی که قابل پیشگیری است جان خود را از دست می دهند، نجات دهیم. بیائید با هم داروهای ضد بیماری ایدز را به ۲۵ میلیون آفریقایی که ناامیدانه در انتظار مرگ نشسته اند، برسانیم. بیائید با هم بخشی از یک میلیاردر دلاری که برای پیماران سراسری افغانستان هزینه برداشته و تقریباً بنایی بجا نگذاشته برای سازندگی به مصرف برسانیم. کوبا می طلبد که این مجمع عمومی، دبیر کل و سازمان ملل متحد در مجموع یکبار دیگر برخورد با این معضلات را که دارای اهمیت بسیاری برای مردم جهان سوم دارد و در این فاجعه حقوق و امید آن ها نیز در زیر ویرانه های برج های فروریخته مدفون شده است، در دستور کار خود قرار دهد.

آقای رئیس

کوبا یک بار دیگر، قاطعانه عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر را محکوم می کند. کوبا باردیگر تروریسم را در همه اشکال و شیوه ها محکوم می کند. کوبا بار دیگر اعلام می کند که هیچگاه اجازه نخواهد داد که از خاک کوبا برای اعمال تروریستی بر ضد مردم آمریکا و یا هر کشور دیگری استفاده شود.

کوبا از نظر اخلاقی نیز این آمادگی را دارد زیرا خود بیش از ۴۰ سال است که از اعمال تروریستی صدمه دیده است. برای اینکه در کوبا هنوز بازماندگان خانواده های بیش از ۳۵۰۰ کوبایی که در نتیجه تجاوز و عملیات تروریستی جان خود را از دست داده اند در قید حیات اند، هنوز برای بیش از ۲۰۰۰ کوبایی که در نتیجه تجاوز و عملیات تروریستی فلج و از کار افتاده اند عدالت اجرا نشده است. برخی از فرزندان کوبا که با تروریسم در افتاده اند مورد اذیت و آزار، برخورد های غیر انسانی و اقدامات غیرعادلانه و افترا آمیز قرار گرفته اند. مردم ایالات متحده آمریکا نه تنها قربانی تروریسم و وحشت شده اند، بلکه فقدان اطلاعات واقعی و محدودیت آزادی های سئوال برانگیز را نیز باید اضافه کرد. مردم و دولت کوبا هیچگونه کینه ای نسبت به مردم آمریکا ندارند و آنان را به خاطر مصیبت های وارده ناشی از عملیات تروریستی تجاوزگرانه و جنگ اقتصادی ناعادلانه که به ما در این مدت تحمیل شده است نه تنها مسئول نمی داند بلکه آرزمند آن روزی است که مناسباتی بر اساس احترام و همیاری میان دو ملت برقرار شود.

افزایش خطر جنگ آمریکا بر ضد عراق

با پایان یافتن نسبی مسأله افغانستان و «پیروزی» سیاست‌های آمریکا در این کشور، دولت‌مردان آمریکا، اعلام کرده بودند، به «مبارزه» خود علیه «تروریسم» ادامه خواهند داد و «در هر کجا که لازم باشد» حضور خواهند یافت. در پی «پیروزی» در افغانستان، دولت آمریکا با اخطار به عراق اعلام کرده است که دامنه جنگ را تا خاک این کشور گسترش خواهد داد. بهانه آمریکا این بار نه بر اساس شرکت عراق در واقعه ۱۱ سپتامبر، بلکه بر اساس اجازه ندادن عراق به بازرسان بین‌المللی برای تحقیق در مورد وجود سلاح شیمیایی و یا دیگر سلاح‌های ممنوعه است. جورج بوش در مصاحبه‌های گوناگون خود اعلام کرده است که «افغانستان فقط شروع کار بود.» و جنگ طولانی مدتی در پیش رو است. او در رابطه با مسأله عراق گفت که «عراق باید به بازرسان‌های نظامی اجازه بازگشت به عراق را بدهد و یا اینکه منتظر عواقب آن باشد.

بوش مفهوم «تروریست» را گسترش داده و اعلام کرد که آن شامل هر دولتی که «از سلاح‌های ممنوعه جمعی استفاده کند» خواهد شد. البته این تعریف بیشتر از هر کشوری تشریح کننده دولت آمریکا است، کشوری که بالاترین تعداد سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد و بطور مداوم در راه تکمیل و گسترش این نوع سلاح‌ها می‌کوشد.

جورج بوش در حضور نیروهای ویژه آمریکا در روز ۲۱ نوامبر گفت «آمریکا پیامی برای تمام ملل جهان دارد... اگر تو از تروریست‌ها حمایت کنی، تروریست هستی، اگر تو تروریستی را تمرین بدهی و یا مجهز به سلاح کنی، تروریست هستی و اگر تروریستی را تغذیه کنی و یا یاری برسانی، تروریست هستی و از طرف آمریکا و دوستانش مجرم شناخته می‌شوی.» وی از هیچ کشوری نام نبرد، اما بنا به نوشته نیویورک تایمز در دکتورین آمریکا عراق، سومالی، سودان و سوریه در زمره این کشورها هستند. (نیویورک تایمز ۲۲ نوامبر ۲۰۰۱). در همین رابطه، جان بولتون، منشی کنترل تسلاحات و امنیت بین‌المللی، گفت که او تصور می‌کند که عراق دست به گسترش، تولید و انبار سلاح بیولوژیک زده است. او هم عقیده با «رامسفیلد»، منشی دولتی وزارت دفاع و معاون او «ولف اویتس»، از حمله به عراق دفاع می‌کند و موقعیت را از هر زمان دیگر مناسب‌تر می‌داند. (گاردین ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱)

تهدیدهای ایالات متحده برای حمله به عراق و قرار دادن کشورهای دیگر در لیست حمله به آنها، در روند تلاش آمریکا برای بدست گرفتن رهبری جهان صورت می‌گیرد که براساس آن هر که با مواضع آمریکا موافق نباشد دشمن اوست. این خطری جدی است که صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند و میتواند جان میلیونها انسان در جهان را به خطر بیناندازد.

اجتماعی و سوسیالیسم را بر دوش می‌کشد. بعد از یورش‌های خونین استبداد و ارتجاع در سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ علیه حزب و کشتار جمع‌گستر از کادرها و اعضای رهبری و تشدید و تزییقات علیه حزب، توده‌ای‌ها در دفاع از حزبشان به تلاشی جانانه برخاستند. پلنوم هجدهم، کنفرانس ملی، کنگره‌های سوم و چهارم نقش مهمی در این بازسازی ایفاء کردند. برنامه و اساسنامه و مشی سیاسی حزب را در شرایط جدید پس از یورش‌ها به حزب، تدوین کردند. تا آنجا که امکانات محدودشان اجازه می‌داد به یاری‌یاران صدمه دیده از یورش سبعانه رژیم شتافتند. به امر انتشارات و تبلیغات حزب سامانی دگر باره دادند و هم‌اینک به فکر تدارک برگزاری پنجمین کنگره حزبشان هستند.

حوادث سیاسی ۵ سال اخیر درون میهن، پس از رویارویی تاریخی مردم با ارتجاعی‌ترین جناح حکومتی تأییدی روشن و بی‌ابهام بر موضعگیری حزب توده ایران و مشی سیاسی آن نسبت به نظام و رژیم ولایت فقیه است. حزب توده ایران علت استبداد قرون وسطایی را در میهن ما حضور و وجود رژیم ولایت فقیه و قوانین ضد مردمی و ضد دموکراتیک قوام بخش این رژیم دانسته و می‌داند، رژیمی که فقط با طرد آن تحولات بنیادین در جامعه ممکن خواهد بود. دست‌یابی به این هدف را ما نه از طریق اعمال و حرکات بلانکیستی، دل‌بستن به حسن نیت و اصلاح‌پذیری ارتجاعی‌ترین جناح حکومتی و در واقع صاحبان اصلی قدرت و حکومت ولایتی، یا مداخلات خارجی می‌دانیم و نه نتیجه مبارزه قدرت بین جناح‌های موجود رژیم. این راهی است که با شرکت آگاهانه اکثریت مردم و با به‌کارگیری راهکارها و شیوه‌های قابل اجرا برای آنان پیموده خواهد شد، چیزی که جناح اصلاح طلب از کاربرد آن هراسی جدی داشته و دارد و عملاً سلاح موثر و نیرومند شرکت دادن مردم در امر سرنوشت ساز آنان و کشور را عاطل و باطل گذاشته است. تاکنون مردم به ابتکار خود از امکان استفاده از صندوق‌های رای که نه با اراده حکومتیان بلکه در نتیجه شرایط خاص تحمیل شده بر حکومت گران به وجود آمده است استفاده کرده‌اند. رژیم ولایتی طی این سال‌ها سعی داشته و دارد که این دستاورد مردمی را خالی و عاری از محتوا سازد. حزب توده ایران در حالی که تلاش مستمر از هر سو را برای دستیابی به اصلاحات هر چند محدود، مفید حتی لازم می‌بیند، عمیقاً بر آنست که اکنون برداشتن حتی گام‌های کوتاه در این مسیر جز با بسیج و به حرکت در آوردن توده‌های مردم برپایه سازمان‌های مدنی و مردمی، غیر ممکن است.

یورش پیگیر ارتجاع و استبداد به مواضع اصلاح طلبان عملاً کشور را به سوی بحرانی‌تر فرآگیرد و عمیق‌تر سوق می‌دهد. مردم نومیاد از اصلاح طلبان و منجر از جناح ذوب در ولایت به سوی دوران پس از اصلاحات عقیم مانده در حرکتند.

دوستان و رفقای ارجمند!

با یورش از به درازا کشیدن سخن توده‌ای‌ها بر سر عهدی که شصت سال پیش با توده‌های کار و زحمت و مردم ستم‌دیده میهن خود بر سرآزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بسته‌اند باقی هستند. و این پیکاری است که تا پیروزی نهایی مردم میهن ما ادامه خواهد داشت.

ادامه سخنان رفیق علی خاوری ...

حضور فعال نداشته است حداکثر استفاده را برای تحکیم پایه‌های استبداد و حمله به آزادی‌های موجود کرده است. از جمله تجدید نظر در قانون اساسی و آگذاری حقوقی شدیداً ضد دموکراتیک به شاه مانند حق انحلال مجلس یا تصاحب مجدد املاک اختصاصی و از همه بدتر برگزاری سلسله اقدامات و مذاکرات ضد ملی به قصد تجدید قرارداد نفت جنوب.

نه تنها سرکوب تشکیلاتی بلکه تلاش وحشیانه برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌ها به قصد ایجاد محیط امن برای انجام این گونه سیاست‌های ضد منافع ملی و ضد مردمی قربانی‌های تازه و تازه تری از حزب طلب می‌کرد. بیاد بیاوریم:

۲۷ مهر ۱۳۳۳، نخستین گروه افسران عضو حزب توده ایران به جوخه اعدام سپرده شدند.

۷ آبان ۱۳۳۳، یعنی ده روز پس از این اعدام‌ها، قرارداد نفت با کنرسیوم به تصویب رسید

۸ آبان همین سال گروه دوم افسران عضو حزب توده ایران به جوخه اعدام سپرده شدند و

۱۷ آبان همین سال گروه سوم افسران توده‌ای اعدام شدند. این فهرست با همین تناوب در سال ۱۳۳۴ هم ادامه یافت. برای استحکام بخشیدن به پایه‌های استبداد و انجام خیانت‌های آشکار به منافع ملی ما این اعدام‌ها لازم بود. چیزی که پس از انقلاب بهمین نیز برای تحکیم پایه‌های حکومت استبداد قرون وسطایی رژیم ولایت فقیه لازم آمد.

کوتاه سخن، در همه این ادوار دشمنی با حزب و سرکوب کردن آن تنها به خاطر کوبیدن موضع قاطع ضد استبدادی و موضع روشن اجتماعی و طبقاتی آن بوده است. مگر همین امروز دست کشیدن هر فرد یا سازمان سیاسی چپ از چنین موضعی آب تظهری نخواهد بود بر همه «گناهان» آنان؟! حزب ما همواره به انترناسیونالیسم پرولتری به عنوان یک اصل اساسی طبقاتی معتقد بوده و هست. مبارزه مشترک به خاطر آرمان‌های مشترک به نفع زحمتکشان میهن و جهان مشوق و راهنمای حزب در این رابطه بوده است. داشتن روابط انترناسیونالیستی با احزاب و سازمان‌های رزمنده در راه منافع زحمتکشان، خلق‌های در بند استبداد و استعمار را نمی‌توان به وابستگی تعبیر و تاویل کرد، چنین کاری یک عوام فریبی تبهکارانه است.

پاسخ حزب ما به بازار داغ توده ستیزی و تبلیغات لگام گسیخته و رواج بی سابقه خاطرات نویسی فرمایشی این بوده است که زیر فشار شکنجه و تحت تاثیر داغ و درفش، تاریخ حزبی را نوشتن چیزی جز ننگ و نفرت عاید سازمان دهندگان چنین «کاوش‌های تاریخی» نخواهد کرد. حزب توده ایران محصول و مولود شرایط حاد سیاسی - اجتماعی میهن ماست. پیدایش آن به حکم ضرورت مبرم راه‌گشایی از درون بن بست‌های سیاسی - اجتماعی میهن ما انجام پذیرفت. نیاز مبرم جامعه عقب‌نگهداشته شده ما به سازمانی آگاه به مشکلات و دردهای جامعه و بصیر در درمان این دردها یگانه دلیل پیدایی و دوام و بقای چنین حزبی است، استقبال عظیم و تقریباً یکپارچه زحمتکشان و انسان‌های محروم جامعه، روشنفکران مردمی و اقشار میانه از این حزب در نخستین سال‌های پیدایی آن بیانگر ماهیت و خصلت مردمی و اصالت و ریشه داشتن حزب در جامعه ماست.

حزب توده ایران به رغم یورش وحشیانه و خونین رژیم ولایت فقیه و از دست دادن شمار بزرگی از فرزندان سنگر مبارزه را ترک نگذفت و در شرایطی بسیار دشوار پرچم خونین ولی سرفراز مبارزه به خاطر آزادی، استقلال و عدالت

جهان خواستار لغو تحریم اقتصادی کوبا است!

بردباری در روش های مورد استفاده در چارچوب سازمان ملل متحد و استواری در رعایت اصول منعقد در منشور این سازمان می تواند باشد. اعلام موضع رسمی آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد، مبنی بر اینکه این کشور در آینده حق حمله به کشور های دیگر را برای خود محفوظ می دارد، مردم جهان را به تعجب واداشت. پس از این چه اعتباری برای منشور سازمان ملل باقی می ماند؟ آیا این تهدید بی سابقه را می توان آن طوریکه در پیمان نامه سازمان ملل آمده به معنای حق قانونی هر کشور عضو دانست که اگر مورد حمله قرار گرفت مجاز است تا اتخاذ اقدامی ضروری از سوی شورای امنیت، هر عملی را که برای دفاع از خود مناسب تشخیص داد، انجام دهد، تعبیر نمود و نه به عنوان بهانه ای کم مایه برای یورش بردن به کشور های دیگر؟ یا به معنای قانونیت بخشیدن به زیر پا نهادن موازین ضعیف و متزلزل موجود برای حفظ استقلال، امنیت و حقوق خلق ها از سوی قدرتمند ترین کشور جهان دانست؟

کشور کوبا چنین موضعی را قاطعانه رد می کند. این مخالفت بدلیل امکان وجود خطر امنیتی نیست زیرا هیچ قدرتی در جهان نمی تواند روح استقلال طلبی، آزادی خواهی، عدالت اجتماعی و شجاعت دفاعی ما را به هیچ قیمتی در هم شکند. ما به این دلیل با آن مخالفیم چون هنوز اعتقاد داریم که فرصت برای جلوگیری از این جنگ بی اثر و وحشیانه که می تواند نامیدی، نا امنی و مرگ زودرس مردم محروم جهان را تشدید کند، وجود دارد. مردمی که هیچگونه نقشی در اقدامات تروریستی ندارند اما جزو اولین قربانیان این سیاست غیرمنطقی قرار گرفته اند..... فقط تحت رهبری سازمان ملل می توان تروریسم را شکست داد. عمل مشترک، و نه جنگ، تنها راه موجود است. وحدت عمل، و نه تحمیل، شیوه کار است. برای نابودی تروریسم باید ریشه های آن را مورد هدف قرار داد. برای این منظور دولت کوبا به فراخوان دبیر کل سازمان ملل برای تدوین فوری قوانین بین المللی در جهت مبارزه با تروریسم پاسخ داده و از تشکیل یک اجلاس عمومی در باره تروریسم بین المللی حمایت قاطعانه خود را اعلام کرده است. رویکرد های اخیر و افزایش ناراضی ها و احساسات و خطرات بالقوه، تأییدی است بر درستی این نظر که جنگ پاسخگویی از بین بردن تروریسم نیست و نخواهد بود.

آقای رئیس

کره ما در نتیجه اعمال سیاست های شکست خورده نولیبرالیسم، و جهانی شدن که از نیمه دهه گذشته بر آن تحمیل گردیده، با وخیم ترین بحران اجتماعی- اقتصادی مواجه است. اکنون این جنگ تحمیل شده از سوی یک کشور، وضع را فوق العاده تشدید کرده که عواقب آن را ما باید به دوش بکشیم.

این جنگ باید متوقف گردد. نه فقط به دلیل پی آمد های آن برای مردم افغانستان بلکه به خاطر خطرات بی ثباتی در منطقه، نه فقط برای نجان جان هزاران آمریکایی و جوان افغانی و دیگر ملیت ها از کشتار

در اجلاس امسال مجمع عمومی سازمان ملل، بار دیگر قطعنامه یی با خواست برجیدن محاصره اقتصادی غیر قانونی کوبا از سوی آمریکا مطرح و تصویب گردید. قطعنامه مطروحه در پنجاه و ششمین اجلاس سالانه با اعلام نگرانی از « تحکیم و گسترش محاصره اقتصادی، تجاری، مالی بر ضد کوبا » و « تأثیرات منفی این اقدامات بر مردم کوبا و شهروندان کوبا در کشورهای دیگر » خواستار گردن نهادن همه دولت ها به تعهداتشان « آنگونه که در منشور سازمان ملل و قوانین بین المللی از جمله آزادی تجارت و دریانوردی » آمده است، شد. قطعنامه از « دبیر کل می خواهد که در مشاورت با ارگان ها و بخش های ادارای سازمان ملل متحد، گزارشی را مبنی بر اجرای مصوبه کنونی در راستای اهداف و اصول منشور سازمان ملل و قوانین بین المللی تهیه کرده و آن را در اجلاس عمومی ارائه دهد. » قطعنامه همچنین « مقرر می دارد که در دستور کار پنجاه و هفتمین اجلاس ماده یی تحت عنوان « ضرورت پایان بخشیدن به محاصره اقتصادی، تجاری و مالی تحمیل شده از سوی ایالات متحده بر ضد کوبا » گنجانده شود. تصویب قطعنامه پیشنهادی با دو رای مخالف قابل پیش بینی از سوی ایالات متحده و اسرائیل نمایشگر حمایت گسترده خلق های جهان از خواست لغو فوری تحریم فلج کننده اقتصادی بر ضد کوبای سوسیالیستی است.

در ادامه بخش هایی از متن سخنرانی رفیق فیلیپ پرز روکو، وزیر امور خارجه کوبا در پنجاه و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل نقل قول می شود.

■ ■ ■

آقای رئیس

مایلم پیش از ارائه سخنرانیم تاسف خود را به خانواده بازماندگان و مردم آمریکا و جمهوری دومینیکن و کشورهای دیگری که در اینجا حضور دارند و شهروندان خود را در حادثه سقوط هواپیمای شرکت «آمریکان»، در شهر نیویورک از دست داده اند، اعلام کنم.

آقای رئیس

جنگ در افغانستان باید متوقف شود. دولت آمریکا باید به اشتباه خود اذعان کند و از کارزار بیهوده و ناعادلانه بمباران مردم این کشور دست بکشد. از شواهد موجود این طور به نظر می رسد که کودکان، مردم غیر نظامی و بیمارستان ها و تسهیلات سازمان صلیب سرخ بین المللی مورد هدف این حملات قرار گرفته اند. در این مجمع، با توجه به روش هایی که بکار گرفته می شود هیچ صدای منصفی در دفاع از کشتار بی سرانجام مردم محروم، گرسنه و درمانده با استفاده از پیشرفته ترین تسلیحات نظامی برنخواهد خواست. و با توجه به پیامد های نا روشن آن، حقانیت این جنگ هرگز از جهت قوانین اخلاقی و بین المللی قابل توجیه نیست و مسئولین آن روزی در پیشگاه تاریخ مورد قضاوت قرار خواهند گرفت.

دولت کوبا از همان آغاز این جنگ را کاری بوج و ناکافی برای از بین بردن تروریسم دانسته و با آن مخالفت کرده و برای چندمین بار اعلام می کند که این جنگ حاصلی جز بیزاری مردم و افزایش تهدید اقدامات تروریستی نوین را بدنبال نخواهد داشت. هیچ کس حق ندارد که کشتن کودکان، بدتر کردن شرایط فاجعه بار انسانی، محرومیت بیشتر و تحمیل مرگ بر میلیون ها انسان را ادامه دهد....

موضعی که دولت کوبا اتخاذ کرده ناشی از کینه ورزی بر ضد ناسازگار ترین مخالف بیش از چهل ساله آن، یعنی آمریکا، نیست بلکه برخاسته از تمایل صمیمانه ما به قصد یافتن راهکاری برای حل این معضل توأم با احترام و همدردی برای مردم ایالات متحده آمریکا که مورد حمله ناجوانمردانه و جنایت کارانه تروریستی قرار گرفته اند، است. چنین موضعی هم چنین بر مبنای آرزوی دیرین ما برای تحقق صلح و عدالت برای تمام خلق های جهان است. از چه ائتلافی سخن گفته می شود؟ مشروعیت آن بر کدام پایه استوار است؟ اگر این ائتلاف بدون اعتناء به مجمع عمومی سازمان ملل متحد به وجود آمده است، باید گفت که ایالات متحده آمریکا از حمایت جهانی برخوردار نیست جنگی یک جانبه را بر خلاف عرف معمول تحمیل کرده و اعلام نموده که هر کس آن را تأیید نکند در کنار تروریست ها قرار می گیرد. برای چه مدتی این چنین حمایت نا پایداری که با تهدید و فشار و نه در نتیجه توافق آزادانه و هدف مشترک کسب شده، می تواند ادامه یابد؟

تنها راه تشکیل یک ائتلاف واقعی، و موثر برای مبارزه با تروریسم مشارکت همه کشور ها، چه کوچک و چه بزرگ، همراه با درک کامل از مواضع یکدیگر و با دوراندیشی و

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 624
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

18 December 2001

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک